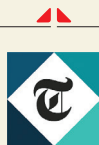




آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



یادداشت خطرناک و جنگ طلبانه جان بولتون

جان بولتون در یادداشتی جنگ‌طلبانه علیه ایران در روزنامه تلگراف نوشت:

حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری و کشتی‌های نیروی دریایی ایالات متحده در دریای سرخ، اقتصاد جهانی را تهدید می‌کند و مسیر تجاری مهم کانال سوئز را به‌خطر می‌اندازد. اگر ۱۴ حمله از این دست در یک ماه گذشته و حملات مستقیماً علیه اسرائیل کافی نبود، ایران هم اکنون به این معرکه پیوسته است. پنتاگون در ۲۳ دسامبر اعلام کرد که یک پهپاد پرتاب‌شده توسط ایران به یک کشتی تجاری وابسته به اسرائیل در اقیانوس هند حمله کرده است. این اولین بار از ۷ اکتبر است که واشنگتن مستقیماً ایران را مقصر می‌داند. تهران حمله به اقیانوس هند را تکذیب کرده و این موضع خود را تکرار کرده که حماس به‌طور مستقل در جنگ علیه اسرائیل عمل می‌کند. با این وجود، هند ناوشکن‌های حامل موشک‌های هدایت‌شونده را در منطقه مستقر کرده و به دنبال شواهد بیشتری در مورد عامل حمله است. با این حال، درست‌پس از کریسمس، سخنگوی سپاه پاسداران، حمله حماس را «یکی از اقدامات انتقام‌جویانه در خصوص ترور ژنرال قاسم سلیمانی توصیف کرد». حماس اما بلافاصله این ارتباط را تکذیب کرد. حقیقت حیاتی در اینجا این است که ایران مستقیماً اقدام جنگی را علیه آنچه که معتقد بود هدف اسرائیل است، مرتکب شده است. فرض عملیاتی غرب باید این باشد که انتظار بیش از این داشته باشد. به‌عنوان مثال، ایران اخیراً تهدید کرده است که کشتیرانی تجاری در سراسر دریای مدیترانه را تعطیل خواهد کرد. دولت بایدن، بسیاری از رسانه‌ها و حامیان ایران، احتمالاً به‌نادیده گرفتن این واقعیت‌ها ادامه خواهند داد. اما شواهد به‌طور اجتناب‌ناپذیری نشان می‌دهد که ۷ اکتبر برای اجرای راهبرد «حلقه آتش» قاسم سلیمانی، همراه با فشار ایران بر اسرائیل در جبهه‌های مختلف، هدایت عملیات‌ها از طریق گروه‌ها و بازیگران دولتی که تسلیح شده، آموزش دیده و تأمین مالی شده‌اند، بوده است. اهداف کوتاه‌مدت ایران نامشخص است. آیا حمله غافلگیرانه حماس یک بازی یکباره بود تا ببیند آیا دولت اسرائیل فرو می‌یافت یا خیر؟ آیا ایران منتظر بود ببیند اسرائیل از نظر نظامی در غزه گرفتار شده یا نه و سپس در گام بعدی خود تصمیم بگیرد؟ حزب‌الله از آن زمان تاکنون راکت و خمپاره پرتاب کرده و اسرائیل را مجبور کرده است که غیرنظامیان را از نواری به عرض دو کیلومتر در امتداد مرز لبنان تخلیه کند. درحالی که حزب‌الله هنوز یک حمله تمام‌عیار را آغاز نکرده است، اما زادخانه خود را آماده کرده و شاید در انتظار لحظه مناسب است. حملات شبه‌نظامیان شیعه و یمنی‌ها تنها با واکنش‌های ضعیف و ناکارآمد غرب مواجه شده است. نه حماس، نه حوثی‌ها و نه شبه‌نظامیان عراقی هنوز آمریکا یا اسرائیل را وادار نکرده‌اند که مستقیماً علیه ایران تلافی کنند. بدیهی است که تهران به اندازه کافی برای مهار نیروهای مورد حمایتش احساس فشار نمی‌کند و ثابت می‌کند که غرب شرایطی را برای بازدارندگی ایجاد نکرده است. کاخ سفید و حامیان رسانه‌ای آن همچنان تکرار می‌کنند که نمی‌خواهند خصومت‌های کنونی گسترش یابد، اما فقدان استراتژی بایدن و تصمیم‌های مبتنی بر امید، موفق نخواهد شد. تنها در صورتی که اسرائیل، آمریکا، انگلیس و سایرین نشان دهند اراده و توانایی جمع‌بیل هزینه‌های هنگفت بر ایران را به عنوان مجازات دارند، ممکن است ادامه کار برای ایران درد غیرقابل تحملی به همراه داشته باشد. به احتمال زیاد، تنها عملیات یک نیروی نظامی مستقیم که علیه اهداف حیاتی در داخل ایران وارد عمل می‌شود می‌تواند چنین هزینه‌هایی را تحمیل کرده و به تهران ثابت کند که نه تنها در مورد اسرائیل، بلکه در مورد بایدن و به‌طور کلی غرب در محاسباتش اشتباه کرده است. به همین دلیل است که شواهد حمله مستقیم ایران به یک کشتی تجاری در اقیانوس هند بالقوه بسیار مهم است. سال‌هاست که روشن بوده است که سرنگونی حکومت ایران و جایگزینی آن با شکل دیگری از حکومت که از حمایت شهروندان برخوردار است، در کاهش ناامنی در سراسر خاورمیانه نقش اساسی دارد. تأمین مالی اعراب برای اقدامات تروریستی علیه اسرائیل امروزه برچیده شده است. به‌خصوص، روابط دیپلماتیک کامل و باز با تل‌آویو همچنان در حال گسترش است. اگر خط اعتباری ایران برای حماس، حزب‌الله، یمنی‌ها و دیگران از بین برود، توانایی آن‌ها برای زنده ماندن به‌طور محسوسی کاهش می‌یابد. این همان نتیجه‌ای است که واشنگتن و لندن باید به دنبال آن باشند. به جای فشار آوردن به اسرائیل برای «مکث»، «آتش‌بس» و یا مواردی از این دست، به تل‌آویو اجازه دهید به هدف مشروع خود یعنی از بین بردن حماس به‌عنوان یک نیروی نظامی و سیاسی دست یابد. این یکی از راه‌های مطمئن برای متقاعد کردن ایران است که بازی آنها شکست خورده و ممکن است پایان خودشان نزدیک باشد.

عکس: President.ir

لزوم شناخت فرهنگی روسیه

معرفی کتاب فرهنگ سیاسی روسیه؛ خوانشی تاریخی در ریشه‌ها، روند و سیاست

کتاب
دیپلماسی



داود دشتبانی
خبرنگار گروه دیپلماسی

روسیه برای ما ایرانی‌ها نامی است که طی دو سده اخیر بسیار تکرار شده است؛ گویی که با آن آشنا هستیم اما آیا به واقع ما روسیه را می‌شناسیم؟ شناخت ما از روسیه تنها از منظر روابط و حوادث میان دو کشور بوده است و بیشتر هم از منظر مخاطرات به روسیه نگاه کرده‌ایم و این اواخر براساس سیاست نگاه به شرق دولت سیزدهم در ادامه سیاست آمریکا‌ستیزی به روس‌ها دلبسته‌ایم اما کمتر شناختی از درون روسیه داریم. روسیه کشوری کهن و یکی از قدرت‌های مهم جهان است.

«فرهنگ سیاسی روسیه» که خوانشی تاریخی در ریشه‌ها، روند و سیاست دولت روسیه است توسط دکتر جهانگیر کرمی، دانشیار دانشگاه تهران و رقیه کرامتی‌نیا، پژوهش‌گر مطالعات روسیه نوشته شده و انتشارات نگارستان اندیشه به تازگی آن را در ۲۴۷ صفحه به بازار نشر عرضه کرده است. این اثر در تلاش است تا از منظر نظریه فرهنگ سیاسی به بررسی جامعه و سیاست در روسیه بپردازد.

روسیه امروزی برای مردمان جهان با چهره و رفتارهای ولادیمیر پوتین شناخته می‌شود و پوتینیسم به عنوان مفهومی که برای منش و رفتار سیاسی آن دولت به کار می‌رود؛ تصور مردم جهان از پوتین دیکتاتوری است که قدرت را تصاحب کرده و مخالفان خود را سرکوب و دنیا را تهدید می‌کند اما شاید برای کمتر کسی پذیرفته شده باشد که ولادیمیر پوتین در کنار استالین و ایوان مخوف و پترکبیر شخصیت‌های محبوب مردم روسیه هستند و در واقع ولادیمیر پوتین تجلی اراده ملی و نشانگر فرهنگ سیاسی روسیه است.

رفتارها و اقدامات پوتین بیش از هر چیزی نمایانگر تاریخ روسیه است و میان پرده‌های تحول در سه سده اخیر، همواره کوتاه بوده و نوگرایی نیز عمدتاً در خدمت قدرتمندی دولت برای امنیت به کار آمده است؛ از پتر تا کاترین و استالین همگی در اقتباس از غرب و صنعتی شدن کشور، مرادشان ایجاد دولتی قدرتمند در رقابت با همتایان اروپایی بوده و امروزه نیز دولت روسی با تکیه بر ارتش، انرژی، رسانه و ناسیونالیسم همان مسیر را می‌رود.

کتاب «فرهنگ سیاسی روسیه در صدد است به این پرسش پاسخ دهد که «به راستی راز این پیوستگی ماهیت دولت روس چیست و چرا چهره کشور و ساختارهایش با دولت قدرتمند و اقدامات گاه و بی‌گاه نظامی شناخته می‌شود و بر دیگر ابعاد حیات آن سایه می‌افکند؟ از آن نیز مهمتر، چه چیزی موجب شده تا با وجود نگرش بدبینانه محافل و رسانه‌های غربی و بازتولید آن در سایر ممالک در مورد مفهوم و محتوای پوتینیسم، اما در داخل این کشور بنا به افکارسنجی‌های غربی، پوتین همچنان برای بیش از دو دهه محبوب باقی بماند و رقیبی جدی برای او نباشد؟»

نویسندگان پس از بخش اول که به تبیین نظریه فرهنگ سیاسی اختصاص دارد در بخش دوم «بنیان‌های کهن سیاست روسی» را با نگاهی به تکوین دولت و تطور فرهنگ روس باستان بررسی کرده‌اند و در ادامه به بررسی میراث مسیحیت شرقی پرداخته‌اند. اینکه فرهنگ سیاسی روسی چگونه متولد شد پرسش بخش بعدی کتاب است که به موضوعات حکمرانی شرقی، موعودگرایی رومی و اسارت ژئوکالچری می‌پردازد. در این بخش به این موضوع پرداخته شده که آیا فرهنگ سیاسی روسیه شرقی است یا غربی و یا تلفیقی از آنها و اینکه کدام یک از این دو عنصر تأثیر بیشتری داشته‌اند؟ و نتیجه گرفته است در دوره‌های مختلف می‌توان عناصری از هر یک را برجسته‌تر دید. برخی محققان روسی نیز براین باورند که موقعیت جغرافیایی بینابینی روسیه تاکنون تأثیر جدی و شگرفی بر جامعه روسیه و بر شکل‌گیری فرایندهای اجتماعی و فرهنگی آن به عنوان وضعیتی گیجانه و منحصربه‌فرد نهاده و از یک سو، نوع فرهنگ روسی با هیچ یک از تمدن‌های شناخته شده هم پیوند نیست، و از سوی دیگر، روسیه محیط مطلوبی برای تحول فرهنگی چندگانه ایجاد کرده است.

بخش چهارم با عنوان نوسازی فرهنگ سیاسی روسی که از اواخر سده هفدهم در سال ۱۶۸۰ و آغاز دوره پتر کبیر تا اوایل سده بیستم و سقوط نظام تزاری در سال ۱۹۱۷ را بررسی می‌کند، موضوعات اصلاح‌گری غربی و ناگزیری انقلاب را مطرح کرده است.

بخش پنجم با عنوان ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی روسیه در گفتارهای لویاتان استالینی، مهندسی فرهنگی و جامعه توده‌ای دوران حکومت اتحاد جماهیر شوروی را بررسی کرده

است و بخش ششم با عنوان بحران فرهنگ سیاسی روسیه به دوران پس از فروپاشی اختصاص دارد و در گفتارهای «آزادی یا امنیت؟» و «پوتینیسم پایدار» و نشانگان اقتدار چگونگی بازگشت روسیه به اصول پیشین خود پس از وقفه‌ای غربگرایانه توضیح داده است. بخش هفتم با عنوان نموده‌های فرهنگ سیاسی روسیه، مؤلفه‌هایی چون دگرستیزی، جمع‌گرایی، پدرسالاری سیاسی، اقتدارگرایی، دولت‌گرایی و موعودگرایی را به عنوان ویژگی‌های فرهنگ سیاسی روسیه مطرح کرده است. بخش هشتم با عنوان مسائل و چشم‌انداز آینده نیز مشکلاتی چون شکاف ارزشی و ناشکیبایی سیاسی به عنوان ویژگی‌های جامعه و افکار عمومی مطرح کرده و در نهایت با پرداختن به موضوع امکان‌ها و چشم‌انداز گذار بحث خود را به پایان برده است. کتاب فرهنگ سیاسی روسیه در پایان نتیجه می‌گیرد: «اینکه واقعیت چیست و چگونه می‌توان به آینده جامعه و حکومت روسی نگریست، موضوعی است که مورد توجه همه روس‌پژوهان و علاقه‌مندان به سیاست جهانی قرار دارد و به نظر می‌رسد که گذار روسیه به یک عصر مردم‌سالارتر، آزادتر و بازتر صرفاً از طریق شیوه‌های خاص خود این مردم و این کشور میسر خواهد بود و نباید تجربه دیگر ممالک را در این رابطه قابل تکرار دانست. این تجربه طبعاً با توجه به دگرگونی‌های بزرگی که در راه است و از محیط بین‌المللی در حال دگرگونی تأثیرپذیر خواهد بود و وضعیت داخلی مردمان و اقوام روس در سه بخش شرقی، مرکزی (به ویژه ولگای مرکزی و قفقاز شمالی) و غربی (منطقه اروپایی و اسلاوی) و چالش‌های جمعیتی مؤثر بر این عرصه، بسیار پرتنش و مسئله‌ساز خواهد بود و روسیه آینده را به گونه‌ای متفاوت شکل خواهد داد.»

این اثر پژوهشی و ارزشمند در ۲۴۷ صفحه یک بررسی اجمالی و در عین حال جامع از تاریخ و فرهنگ روسیه ارائه می‌دهد و خواننده را با مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه روسیه آشنا می‌کند. کتاب با وجود آنکه اثری پژوهشی و دانشگاهی محسوب می‌شود با این حال برای خواننده عمومی نیز خواندنی و جذاب است و حجم انبوهی از اطلاعات را با زبانی گیرا و روان به مخاطب ارائه می‌دهد. این اثر به صورت عمیق و گسترده از آخرین پژوهش‌ها به زبان فارسی، انگلیسی و روسی بهره برده و از این حیث نیز اثری جامع محسوب می‌شود. در مجموع کتاب فرهنگ سیاسی روسیه در میان اندک منابع برای شناخت جامعه این همسایه شمالی اثری ماندگار و کم‌مانند خواهد بود و کمتر کارشناس علاقه‌مندی است که بتواند از خواندن آن چشم‌پوشد.

به بهانه انتشار کتاب «فرهنگ سیاسی روسیه» که توسط دکتر جهانگیر کرمی، دانشیار دانشگاه تهران و خانم رقیه کرامتی‌نیا، پژوهش‌گر مطالعات روسیه نوشته شده و انتشارات نگارستان اندیشه آن را منتشر کرده است به گفت‌وگو با دکتر کرمی پرداختیم. دکتر جهانگیر کرمی در این گفت‌وگو بر این باور است که سیاست خارجی روسیه ریشه در تاریخ و فرهنگ این کشور دارد و بدون شناخت ژرفی از این موضوعات، نمی‌توان فهمی دقیق از آن پیدا کرد.

